

نقش راهبردی سازواری اجتماعی امامان (علیهم السلام)، در استمرار حیات شیعه^۱

چکیده

مناسبات اجتماعی سازنده، از شروط تداوم حیات انسانی و از عوامل مؤثر در دستیابی به اهداف یا برون رفت از چالش‌های زندگی جمعی است. در اقلیت بودن شیعه، در کنار دورنگه داشتن آن‌ها از صحنه قدرت سیاسی و اقتصادی، رهبران شیعه را ناگزیر به استفاده به‌مثابه قدرت نرم شیعیان، برای رهاسازی پیروان‌شان از گرفتاری‌های شدید سیاسی اقتصادی نمود، تا ضمن تدابیر فرهنگی

حفاظت از اقلیت شیعه، آنان را به گروه اجتماعی منسجم، موثر و پویا تبدیل نمایند.

این که مهم‌ترین راهبرد امامان شیعه، برای دستیابی به چنین موقعیتی، چه چیزهایی بوده است، مساله این پژوهش است، کوششی که در صدد است بر اساس منابع تاریخی و با رویکردی توصیفی تحلیلی، بر «سازواری اجتماعی» به عنوان تدبیر راهبردی (، شاخصه‌ها و پیامدهای آن تاکید کند. از نظر این پژوهش «تقویت همبستگی درونی» و «افزایش همگرایی بیرونی»؛

ع

امامان)

از جمله پشتوانه‌های اجتماعی ساخت داخلی و خارجی موجودیت و قدرت است، که از رهگذر حفظ وحدت اجتماعی، گسترش زندگی نیک‌خواهانه و بالابردن شأن اجتماعی شیعیان؛ موجبات تمایز بیرونی و گسترش تدریجی حوزه نفوذ اجتماعی ایشان در جغرافیا و تاریخ گسترده‌تری را فراهم آورد. به نظر می‌رسد واکاوی مستند این مظاهر، بتواند الگوی کارآمدی برای بازیابی اسباب حیات گذشته و اقتدار آینده شیعه باشد. چنان که می‌تواند ره‌آوردهائی بنیادین در جهت درخشندگی تمدن اسلامی به‌طور عام و تقویت نقش آفرینی شیعه در آن به‌طور خاص عرضه نماید.

کلید واژه‌ها:

راهبردهای فرهنگی، ائمه شیعه، استمرار حیات شیعه، سازواری اجتماعی

مقدمه

آفرینش جهان، برتنوع، تعدد و تفاوت، استوار است (سوره هود: آیه 118) و پیشرفت امور انسان‌ها و بقای عالم به پذیرش همین گوناگونی‌ها مبتنی است (مجلسی، 1403: 74/383). به گواه تجربه تاریخی بشر؛ ارتباطات، زنجیره اتصال ایفای اجتماعی به یکدیگر است. انسان به مقتضای زندگی جمعی، برای حفظ موجودیت خود، جلوگیری از تصادم‌ها و دستیابی به اعتماد عمومی؛ نیازمند رابطه روادارانه با دیگران است، تا در پرتو پذیرش تفاوت‌ها، با معرفی بی‌واسطه خود، ضمن از بین بردن زمینه‌های بدگمانی و بالابردن کارایی افراد و گروه‌ها، میدان قضاوت را از حریف بگیرد. بر همین اساس جوهر حیات اجتماعی، رابطه تعاملی و مشارکتی است و بدون آن، همکاری افراد در جهت کسب منافع متقابل و در نهایت پیشرفت اجتماعی تحقق نخواهد یافت (جلائیان-بخشنده، 1397: 8).

از آن‌جا که باور شیعیان به "ضرورت رهبری معصوم و مخالفت با روند انتخاب و روش حاکمان پس از پیامبر (ص)"، موجب تمایز و عامل بدبینی حکومت‌ها به ایشان گردید، تلاش گسترده علنی در جهت حذف و یا به حاشیه راندن ایشان و طبعاً محرومیت آنان از مزیت‌های اجتماعی و حقوق اساسی‌شان را به دنبال داشت، تا جایی که شیعیان زندگی خود را با تحمل انواع رنج و تبعیض سپری می‌نمودند. شیعیان در مواجهه با چنین وضعیتی کوشیدند با بهره‌گیری از اندیشه رهبران معصوم‌شان، ضمن تثبیت جایگاه اجتماعی خود، در دراز مدت به اقلیتی منسجم حول باور امامت تبدیل شده و عملاً بر تفکر غالب فائق آیند. اگرچه پیشوایان شیعه، هیچ‌گاه تسلیم شرایط سیاسی و اقتصادی نشدند، اما برای ایستادگی در برابر شرایط سخت، نیازمند در اختیار داشتن راهبردهای نرم فرهنگی برای دستیابی به نفوذ و اقتدار بودند، تا از این طریق، ضمن بهره‌برداری از فرصت‌های به وجود آمده، با چالش‌های پیش‌رو مبارزه نمایند، هزینه‌های احتمالی ناشی از قدرت‌سیاسی را به حداقل رسانده و موقعیت خود و شیعیان را تعالی بخشند. براین اساس، امامان تعیین‌کننده‌ترین نقش را در بازیابی هویت شیعه داشته و اساسی‌ترین عامل تحقق تحول ساختاری تشیع و تبدیل آن جمعیت پراکنده به سازمانی تشکل یافته بوده‌اند، که توانسته‌اند کشتی طوفان زده شیعه را از طوفان حوادث سیاسی و اجتماعی به ساحل نجات عبور داده و مانع پراکندگی ایشان شوند. بدون در نظر گرفتن چنین پشتوانه محکمی، بقیه عوامل، کارائی خود را از دست می‌داد، بلکه حذف جایگاه امامت، عمیق‌ترین نوع از بحران هویت برای شیعه را رقم زده و به استحاله و حتی اضمحلال آن می‌انجامید (فرهمندپور، 1389: 157).

بنابراین پایداری شیعه، پدیده‌ای چندوجهی است که از متغیرهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی اثر پذیرفته، نمی‌توان این عوامل را جدا از هم ارزیابی نمود، بلکه باید آن‌ها را مجموعه‌ای در نظر گرفت که در عین استقلال، از نوعی پیوستگی درونی برخوردارند. به نظر می‌رسد از مهم‌ترین استراتژی‌های امامان برای ماندگاری شیعیان که در همه ادوار قابل استفاده باشد، راهبردهای فرهنگی بوده، زیرا با توجه به فشارهای مستمر حکومت، تنها مسیر قدرت نرم فرهنگی، برای ایشان باز بود و آنان با اقدامات فرهنگی مانند سازواری اجتماعی می‌توانستند اندیشه خود را فراتر از مرزهای اعتقادی، جغرافیائی و تاریخی گسترش داده، با ایجاد ظرفیت‌های سیاسی اقتصادی، پذیرش عمومی پیدا کرده و به بقای موجودیت شیعه کمک کنند.

1. پیشینه پژوهش

اگر چه در موضوع نقش راهبرد سازواری اجتماعی پژوهش مستقل و منسجمی تألیف نگردیده، اما جدای از پژوهش‌های فراوان درباره مفهوم مدارا و تعامل (به دلیل شباهت با مفهوم سازواری اجتماعی)، می‌توان به مطالعاتی که پیرامون اجزای سازواری به صورت ضمنی صورت گرفته است، اشاره کرد. مواردی مانند؛ کتاب «سازمان وکالت و نقش آن در عصرنامه» نوشته محمدرضا جباری، کتاب «راهبردهای ائمه در مواجهه با ناهنجاری‌های اجتماعی» نوشته سیدعلیرضا واسعی، کتاب «عامل امام

عل(ع)ی با مخالفان» نوشته اعظم ویسمه، همچنین مقاله «راهبردهای امام سجاد(ع) در گسترش فرهنگ اهل بیت» نوشته محمود سامانی و محمود بختیاری و مقالات «راهبردهای اجتماعی امام صادق(ع) و راهبردهای اجتماعی امام هادی(ع) برای ایجاد همگرایی اسلامی» نوشته حمیدرضا مطهری از این جمله‌اند که البته بیشتر اینگونه تألیفات، به کنش‌های اعتقادی ائمه پرداخته‌اند. با وجود اهمیت موضوع و اشارات گذرا به مقوله سازواری اجتماعی در این منابع، به رابطه آن با ماندگاری شیعه، توجه چندانی نشده است.

2. ادبیات نظری

مناسبات اجتماعی از اصول اساسی پایداری زندگی، در برگزیده روابط انسانی و به عنوان ابزاری برای رسیدن به سرمایه‌های مختلف اجتماعی است که بدون آن رسیدن به بسیاری از اهداف دشوار می‌باشد. مناسبات اجتماعی وجوه گوناگون سازمان اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارهای جمعی و شبکه‌های انسانی را در بر می‌گیرد که با تسهیل اقدامات هماهنگ، موجب بهبود کارایی جامعه می‌شوند (پاتنام، 1995). نوع و میزان مناسبات اجتماعی به شدت متأثر از متن و شرایط اجتماعی است. اجتماعات متفاوت فرصت‌های گوناگون را به شکلی نابرابر در اختیار افراد و گروه‌ها قرار می‌دهند. تعامل، رواداری و تقابل انواع مناسبات اجتماعی می‌باشد که سازواری اجتماعی ذیل تعامل قرار می‌گیرد.

سازواری اجتماعی، به عنوان موضوعی بین‌رشته‌ای، از دوران جنگ‌های مذهبی قرن‌های 16 و 17 میلادی، به شدت مورد توجه گسترده صاحب‌نظران قرار گرفته و در تبیین علل آن نظریات متعددی ارائه گردیده است. سازواری از دیدگاه کنت به وفاق- اجتماعی، از نگاه دورکیم به همبستگی اجتماعی و از منظر تونیس به نظم اخلاقی تعبیر شده است (خطیبی، 1394: 145؛ آرون، 1384: 90-135).

سازواری اجتماعی نقشی راهبردی در صلح، امنیت و اقتدار دارد، زیرا هسته اصلی استمرار حیات اجتماعی، به پیش شرط "مهارت سازواری" سخت نیازمند است (گلابی؛ رضائی، 1392: 65)، به تعبیر دیگر با بهره‌گیری از آن، حداکثر ظرفیت‌های یک جامعه در ابعاد مختلف آن به کار گرفته شده و توانمندی‌های نهفته و بالقوه نیز به فعلیت در می‌آید. سازواری اجتماعی یک خیر همگانی است که تعهد افراد را از منافع فردی به منافع متقابل متوجه می‌کند؛ انگیزشی در افراد ایجاد می‌کند، که به حیطة وسیعی درباره ارزش‌ها، روابط و تعهدات اجتماعی پایبند شوند، با افزایش سازواری اجتماعی، مشارکت عمومی گسترش یافته، اعضای جامعه به تعاون در جهت سرنوشت مشترک ترغیب می‌شوند (خطیبی، 1394: 139). صداقت، اعتماد، همبستگی اجتماعی، احساس همیاری شدت می‌یابد، در عین حال احساس بی‌تفاوتی کاهش یافته و افراد خود را در مشکلات اجتماعی مسئول می‌دانند، به گونه‌ای که تضعیف آن، می‌تواند منجر به اختلال در روابط عمیق اجتماعی گردد (خطیبی، 1394: 139؛ وینتر، 2000: 3).

فضیلت سازواری اجتماعی، توانائی استمرار نفوذ، اعمال قدرت اجتماعی، بلکه استطاعت بازدارندگی جامعه را دارد و حتی در مواقعی برنده‌تر از راهبردهای سخت سیاسی، اقتصادی و امنیتی است. به گونه‌ای که اهمیت آن در تولید آرامش، امنیت و اقتدار از توان نظامی کمتر نیست. زیرا دارای آثار درازمدت اجتماعی بلکه مستعد تربیت افکار عمومی است. از این رو قدرت سازواری متقابل- اجتماعی، قدرت نرم جوامع محسوب می‌گردد و قابلیت هم‌آوردی مقابل قدرت سخت را دارد و با بهره‌مندی از آن می‌توان افکار عمومی یک جامعه را در راستای اهداف خود تغییر داد (مرادی، 1389: 155-152). اهمیت و بسترسازی سازواری به خوبی در گزارش‌های تاریخی بازتاب یافته است. برای روشنی اثربخش‌تر بودن آن، بعد از تعریف عملیاتی، راهکارها و ثمرات آن با استناد به شواهد تاریخی مورد توجه قرار خواهد گرفت.

3. مفهوم شناسی سازواری

لغت نوپدید سازواری واژه‌ای فارسی است، که معادل "coping" یا "tolerance" و در لغت به معنای سازگاری، همراهی، روامداری، مدارا، معاهده، وحدت، اتفاق، وفاق، موافقت، همنوائی، تلائم، همزیستی مسالمت آمیز، تحمل و پرهیز از خشونت، تسامح و تساهل یا چشم پوشی از حقوق شخصی و مسائل فردی به کار رفته است (دهخدا، 1377: 9/13279؛ انوری، 1381: 5/3978).

در آیات قرآن و روایات معصومان، سازواری با واژگانی از قبیل: اللین، الرفق، هین، رأفت، حلم، صفح، عفو، سعه‌الصدر، حسن الظن، لطف، یسر، سهولت، سهل، سمح، مدارا، مدهانه، حنیفیه، کف‌الأذى و المعاونة علی البر والتقوی مترادف می‌باشد. به عبارتی همه این واژه‌ها تجلی سازواری است و نزدیکی بسیار زیادی با معنای آن دارند، به اندازه‌ای که در برخی موارد یکسان هستند. در مقابل آن، واژه‌هایی همانند: حُرُق، عُنْف، غلظت، شدت، فظاً، حرج، حزن، ضیق، عسر قرار دارد.

بنابراین مراد از این واژه در ادبیات امروز را می‌توان چنین بدست آورد: وفاق اجتماعی یا عدم اعتراض، مداخله و ممانعت در رفتارها و باورهائی که مورد پذیرش شخص نباشد. منظور از مفهوم راهبرد سازواری در این پژوهش؛ توانائی پذیرش زیست مسالمت‌آمیز در هر شبکه‌ای از مناسبات اجتماعی است، به گونه‌ای که اختلاف عقیده با دیگران باعث تنش یا انزوای اجتماعی نشود. رهبران فکری جامعه شیعه جهت تداوم این تفکر در نسل‌های بعدی، تدابیر بلندمدتی مانند سازواری اجتماعی داشته‌اند که بدون آن به بقای شیعه امید نبود.

4. راهبرد سازواری امامان

امامان شیعه (ع) راه‌های بسیاری برای سازگاری با فشارهای زندگی و در نتیجه استمرار حیات پیش‌روی شیعیان گذاشته‌اند، گرچه نمی‌توان ادعای انحصار نمود، اما شاید بتوان از میان مکانیسم‌های مهم راهبرد سازواری اجتماعی، به دو شیوه درخور؛ «تقویت همبستگی درونی شیعیان» و «افزایش همگرایی بیرونی با دیگران» اشاره کرد. همبستگی درونی نقشی اساسی در افزایش امید به زندگی در میان شیعه و احساس هویت و مفید بودن ایشان داشت، همچنان‌که همگرایی بیرونی احساس حضور، همراهی، تعامل و انعطاف تشیع با دیگران را نوید می‌داد.

4-1. راهکار؛ تقویت همبستگی درونی

استمرار حیات اجتماعی هر گروه، در گرو انسجام بین عناصر سازنده ساختار اجتماعی آن است. اتحاد اجتماعی که به معنای عبور افراد از منافع شخصی برای افزایش منافع جمعی است، نوعی سرمایه اجتماعی محسوب شده که توافق در اهداف، اندیشه‌ها، ارزش‌ها، نمادها، هنجارها و نگرش‌های مشترک، زمینه مقوم این انسجام است (مطهری، 1362: 32 و 33؛ روشه، 1370: 185). همان‌طور که احساس گسست اجتماعی؛ بی‌تفاوتی، بی‌اعتمادی، ناامیدی، انزواطلبی، تکروی، گریز از کار جمعی، گسیختگی پیوندهای اجتماعی و به خطر افتادن بقای جامعه را تقویت می‌کند (کلینی، 1407: 666-668/2؛ خطیبی، 1394: 139). تقویت پهنه همبستگی درونی و برانگیختگی حس غرور مذهبی؛ زمینه‌ساز افزایش گرایش نسبت به هویت مذهبی، رشد فکری هم‌کیشان، آفرینش انرژی عاطفی، کاهش گرایش به هویت دیگر مذاهب و شدت عمل در برابر آزار ایشان و در نهایت تعلق، همبستگی و ثبات اجتماعی می‌گردد (خطیبی، 1394: 141؛ مردوخ، 1373: 72). به طور کلی گروه‌هایی که روح هویتی ساختاری دارند،

برای امتداد تاریخی خود، به امکانات بیشتری دسترسی دارند. بنابراین برای بقای موجودیت اجتماعی، ارتقاء مشارکت درونی نه تنها ضروری بلکه اجتناب‌ناپذیر است (آرون، 1382: 365-366).

همبستگی اعتقادی از آن جهت اهمیت دارد که شیعه با توجه به مخالفت اکثریت با ایشان، همواره در کانون توجه قرار داشته است. پس از واقعه عاشورا و پراکندگی شیعیان که فشارهای مستمر و مقطعی حاکمان می‌توانست سبب سست شدن انسجام اجتماعی آنان شود، امامان پایایی جامعه شیعه را در اتحاد درونی و ایجاد اراده جمعی بین شیعیان دانستند (کلینی، 1407: 2/345). بنابراین تلاش کردند با ایجاد احساس مشترک بین شیعیان به بالندگی دسته جمعی آنان سرعت بخشند.

انتخاب راهکار همبستگی درونی به عنوان محور اساسی استمرار حیات شیعه، بر اساس نیازی تاریخی و از روی احساس مسؤولیت برای جلوگیری از گسیختگی جامعه شیعه بوده است؛ امامان در راستای تولید نفوذ اجتماعی شیعیان، خصوصاً در بزنگاه‌های حساس، آن‌ها را دعوت به وفاداری درونی می‌نمودند (مجلسی، 1403: 71/۳۵۲؛ فرهمندپور، 1389: 104-77) که تفصیل آن را می‌توان در کتاب‌های معروف شیعه مانند: "کافی"، "بحار الانوار" و "وسایل الشیعه" با تعبیرات اختصاصی شیعیان، همچون «صدوق»، «مؤمن»، «اخوانکم»، «مصادقه الاخوان» جستجو نمود.

فراموش نشود عامل ایجاد همبستگی اجتماعی محبت است که به سبب اشتراک و توافق افراد جامعه در اندیشه‌ها و ارزش‌ها به وجود می‌آید. با توجه به جایگاه بنیادین همبستگی در ایمان نهادین، عجیب نیست که تأکید بر محبت به شیعیان و ابراز آن محبت (کلینی، 1407: 2/644؛ مجلسی، 1403: 71/181) معمولاً با شیعه بودن توأم شده است. امامان با بیان حقوق متقابل شیعیان در همدلی بین‌ان‌ها تأکید داشتند و محبت واقعی به اهل بیت را به محبت به پیروان‌شان مشروط می‌دانستند (مجلسی، 1403: 11/124 و 27/53) و با تأکید بر محبت شیعیان نسبت به یکدیگر، هم‌نوائی امامیان را تداوم بخشیدند (نهج البلاغه، نامه‌ی 35). اهتمام فراوان امامان به تقویت ارتباطات درونی شیعه را می‌توان از اجازه ملاقات ندادن امام هفتم به صفوان جمال، به سبب آن که برادرش را ناراحت کرده بود، تصویر نمود (مجلسی، 1403: 48/85).

امامان با پافشاری بر مسئولیت‌پذیری جمعی و حمایت‌گری متقابل امامیان، به تحقق احساس تمایز شیعیان با جریان قدرتمند اجتماعی مخالف تفکر شیعی کمک کرده و در کنار سایر عوامل، به تحقق کامل ساختار تشکیلاتی شیعی و بسط همه جانبه کنش‌های جمعی آنان سرعت می‌دادند (کلینی، 1407: 2/175). روشن است که تبدیل آحاد پراکنده معتقد به مبانی کلی تشیع، به گروهی متشکل و واجد تعامل عمیق، آن‌چنان حیاتی بوده (کلینی، 1407: 1/41) که امامان هر رفتاری را که به استواری چنین ارتباطی آسیب برساند، زمینه‌ساز ضعف شیعه قلمداد کرده و قابل پذیرش ندانسته‌اند (ابن شعبه، 1404: 413؛ فرهمندپور، 1389: 156) از همین روست که در آموزه‌های پیشوایان شیعه، ضمن طبیعی دانستن درجات تقیدات مذهبی شیعیان (کلینی، 1407: 74 و 3/73) و دعوت ایشان به تحمل یکدیگر (همان: 8/334)، گسستگی از جمع طعمه شیطان (نهج-البلاغه، خطبه 127) و به شدت نکوهش شده (حرعاملی، بی‌تا: 11/429) و حتی سزاوار خشم خداوند معرفی گردیده است (کلینی، 1407: 311 و 2/351).

در هر حال همبستگی درونی در درازای تاریخ شیعه، چون حلقه‌ای پیدا و ناپیدا، در هویت بخشی به شیعه نقش بدون انکاری بازی کرده و هویت مشترک شیعیان را به یکدیگر پیوند داده و عامل اصلی احساس همدلی، انس و الفت ایشان به همدیگر بوده است. چه بسا اگر امامان، مهارت راهبردی؛ استحکام روابط درونی شیعیان را نپرورانده بودند، ایشان قادر به ادامه حیات خود نبودند. تأثیر این اقدام زمانی وسعت و قوت پیدا می‌کرد که امام می‌توانست از همه ظرفیت شیعیان استفاده نماید، به تعبیر دیگر چنانچه شیعیان روابط عمیق‌تری با یکدیگر برقرار کرده بودند، نتایجی به مراتب بیشتر داشت؛ نه تنها موجب آسایش و تسلی خاطر خود،

بلکه سبب تقویت حس هویت مذهبی و به هم پیوستگی شان می شدند و توان مضاعفی در رفع نگرانی‌ها، ارتقاء کارآئی، بهره برداری و استفاده بهینه از منابع و توانمندی‌های اجتماعی شیعه فراهم می‌کرد.

1-1-4. اقتدار بخشی تشکیلاتی

کارجمعی مبنای تقویت وحدت‌درونی است. دستیابی به همبستگی درونی، بدون وجود چنین پیش شرط کلیدی امکان پذیر نیست. کارتشکیلاتی همواره در جایگاه یکی از ارکان اصلی همبستگی نقش آفرین بوده و می‌تواند مجموعه شرایط ذهنی و عینی همبستگی درونی را به شکل هویت مذهبی در آورده و زمینه‌های ذهنی انسجام‌درونی را فراهم سازد، البته روح کارجمعی، رهبری واحد آن است.

از جمله اقدامات امامان که فرصت‌های تاریخی متعددی را پیش روی شیعه قرار داد و امکان بهره‌برداری‌های سیاسی و اقتصادی نیز داشت، ایجاد نقطه‌ای مرکزی برای توسعه ارتباطات درون مذهبی در قالب نهاد وکالت بود. با توجه به گستردگی و پراکندگی مراکز تجمع شیعیان، وجود سازماندهی منسجم ضروری بود، تا علاوه بر متصل کردن شیعیان به رشته امامت، همبستگی بین ایشان را برقرار ساخته و از این رهگذر آنان را مورد حمایت سیاسی اقتصادی قرار دهد (جباری، 1382: 175).

امامان در این نهاد پنهان، نمایندگانی از میان شخصیت‌های برجسته فکری شیعیان برگزیده و در مناطق مختلف منصوب می‌نمودند و از این طریق، اطلاعات جدیدی از وضعیت اجتماعی و معیشتی سراسر نقاط شیعه نشین دریافت می‌کردند، که این نوع مدیریت در کنار رابطه محکم شیعیان با قلب جهان تشیع یعنی امام، نظم جدید درونزایی برای شیعیان پدید آورد و جانی دوباره در کالبد متفرق و اجزای متشتت شیعه دمید.

گسترش جغرافیای تشیع در قالب نهاد وکالت (ابن شهر آشوب، 1379: 4/220)، در کنار سایر کارکردهای تشکیلاتی، چونان: سرعت انتقال اطلاعات از قاعده هرم به رأس آن، آسان نمودن تصمیم‌گیری رهبران، به مشارکت گذاشتن استعداد شیعیان؛ نمایشگر میزان نفوذ امامان بر پیروان خود، تا دورافتاده‌ترین مناطق در توسعه انسجام آن‌ها است. به طوری که مثلاً به دلیل احساس خطر حکومت از نفوذ امام رضا در جامعه، در جریان حرکت اجباری ایشان از مدینه به مرو، به جای عبور از مسیر اصلی که از میان شهرهای معروف شیعی مانند کوفه و قم می‌گذشت، ایشان را از راه بصره که فرعی و طولانی‌تر بود عبور دادند (اصفهانی، بی‌تا: ۸۷۹؛ عرفان منش، 1376: 9)، تا در کانون توجه مردم قرار نگیرد و سبب تقویت گرایش شیعه در ایران نشود.

همچنین تمایل شگفت‌آور جعفر بن علی و پیشنهاد رشوه سالانه او به عبدالله وزیر المعتمد عباسی، برای دستیابی به جایگاه اجتماعی امامت برادرش امام عسکری (اربلی، 1381: 3/197) را، می‌توان شاهد دیگری از نفوذ این نهاد مؤثر در احیای حضور اجتماعی شیعیان و مانع از پیدایش ضعف در تشکیلات آنها دانست.

2-1-4. ایجاد نظام مالی منظم

همچنان که رکن اصلی انسجام مذهبی، پیوندهای درونی است و به میزان فراوانی ارتباطات درونی بین کنشگران مذهبی، استحکام- یکپارچگی و احساس قدرت افزایش می‌یابد (آرون، 1382: 365-366؛ بیرو، 1370: 400)؛ محرومیت، جدای از کاهش رضایتمندی و اعتماد اجتماعی؛ احساس وفاق درونی و همبستگی نسبت به هم‌کیشان را دچار فرسایش می‌نماید. پدیده فقر شاخص مهمی در تقویت احساس تنهایی، کاهش توانائی‌های فردی، اتخاذ تصمیمات نادرست و تشدید نیروهای ضعیف‌کننده

انسجام مذهبی است، زیرا نابرابری اجتماعی منجر به ذوب پیوندهای اجتماعی و تزلزل پایه‌های روابط انسانی می‌شود و به دنبال آن وفاق مذهبی متزلزل می‌گردد (روشه، 1370: 185-184).

بر همین اساس، نیاز به همبستگی در دوران سختی، بیشتر می‌شود، از این رو اهتمام رهبران شیعه به حمایت از نیازمندان شیعه (کلینی، 1407: 2/174)، موجب احساس تعلق مذهبی و پیوستگی آنان با محوریت شیعه می‌شد (آمدی، 1378: 1/305). از این رو ایشان برنامه‌های متعددی به‌ویژه از طریق همان نهاد وکالت، برای تمرکز در گسترش منفعت‌های اقتصادی به فقرای شیعه داشتند (کلینی، 1407: 1/538) که نمونه‌های تاریخی آن اندک نیست. رفتارهای اطمینان‌آوری مانند؛ ترویج خمس (همان: 1/545)، تعیین نماینده برای دریافت خمس از ثروتمندان و تقسیم میان فقیران (حرعاملی، بی‌تا: 348 و 6/368)، تعیین و ترویج موقوفات (حرعاملی، بی‌تا: 16/364؛ جباری، 1382: 197)، کمک به فقرای شیعه (کلینی، 1407: 2/201) سفارش ویژه رسیدگی به خانواده‌های بی‌سرپرست (کلینی، 1407: 2/169 و 509) و آسیب‌دیدگان قیام‌های شیعی (کشی، 1348: 338)، اختصاص اموالی برای رفع ستیزه‌های مالی (کلینی، 1407: 2/334 و 209)، پرداخت هدیه به شیعیان (همان: 4/183) و نفوذ افراد مطمئن به دربار حاکمان برای حفظ منافع شیعیان (مجلسی، 1403: 48/158) علاوه بر تحکیم روابط شیعیان، ایجاد احساس مسئولیت جمعی شیعیان و ترمیم‌آزردگی‌ها، زمینه ایجاد آرامش آن‌ها را خصوصاً در فشارهای روانی و اجتماعی فراهم می‌آورد، تا مطمئن باشند مورد توجه امام و شیعیان‌شان قرار دارند. این پشتیبانی می‌توانست موجب بروز احساس امنیت عاطفی و بالابردن اعتماد درونی ایشان گردد، چنان‌که کوتاهی در این مهم، موجب بازماندن آنان از اهداف عالی می‌شد.

بنابراین متعهد بودن به رفع نیازهای هم‌کیشان، علاوه بر اعتماد لازم، جلوگیری از فروپاشی اجتماعی و فرهنگی شیعیان و کاهش گرایش ایشان به دیگر تفکرات غالب؛ بر تاب‌آوری و مدارای دردمندان افزوده و فردایی بهتر را نوید می‌داد تا با چنین حمایتی، قدرت مضاعف پیدا نموده و هویت متعادل و یکپارچه ایشان حفظ، و گسترش شیعه استمرار یابد.

3-4-1. اقامه و ترویج آیین‌های مذهبی

از دیگر اقدامات فرهنگی امامان برای ایجاد چنین جامعه متحد و همبسته‌ای می‌توان به تقویت آئین‌های مذهبی اشاره کرد. مشارکت در آیین‌های دینی از مهم‌ترین عوامل تأیید و تشدیدکننده همبستگی درونی دانسته شده (آرون، 1384: 351؛ ریتزر، 1373: 77)، زیرا افراد حاضر در این آئین‌های گروهی، در کنار هم، دست به کنش‌های واحدی می‌زنند و تفاوتی میان خود و دیگران نمی‌بینند (آرون، 1384: 30-37). بخش مهمی از انسجام اجتماعی شیعیان برای جلوگیری از فروپاشی اعتقادی، در پرتو ایجاد و حفظ نمادهای فرهنگی آنان حاصل گردید. این سمبل‌ها از آن جهت که دارای روحی اجتماعی و نشانه تحکیم مداوم پایه‌های عقیدتی هستند، عاملی برای بروز رفتارهای جمعی و توسعه ارزش‌های پایدار هستند. مهم‌ترین نمادهای مذهب شیعه عبارتند از:

3-4-1-1. مراسم مذهبی

مراسم مذهبی از مهم‌ترین عناصر تقویت هویت، فرهنگ و هنر شیعی و به‌عنوان یک کنش گسترده و جریان‌ساز اجتماعی، مصداق کامل‌تر همبستگی درونی شیعه بوده است که به‌صورت قانونی برای ارتباط همدلانه شیعیان، شکل گرفته و به‌صورت مداوم و فراتر از مناسبت‌ها، موجب تجمع ایشان می‌گردید. این اجتماعات، جلوه‌های آشکار محبت شیعیان به خاندان پیامبر (ص) بوده که در کنار تقویت احساسات مشترک، سبب تشدید دینداری و تقویت روحیه آنان می‌گردید.

تأکید امامان بر بزرگداشت غدیر تا آنجا بود که شیعیان پس از دستیابی به حکومت، در سال 352 هـ.ق آن را عید رسمی اعلام کردند (مقریزی، 1418: 1/288) و هر ساله با لباس‌های سفید و نو در جشن عید غدیر حاضر می‌شدند. حتی برخی برپائی جشن غدیر را قبل از این تاریخ دانسته‌اند (کلینی، 1407: 4/149؛ مسعودی، 1357: 221؛ مجلسی، 1403: 95/322). شاید نقش مؤثر این مراسم در دوره‌هائی، باعث واکنش‌های تند اهل سنت شد، به گونه‌ای که به محض خروج آل بویه از حاکمیت، این مراسم که هویت شیعه بوده، ممنوع اعلام شد.

همچنین برپائی مراسم منقبت‌خوانی و سوگواری بر امام حسین، به گونه‌ای که از گزارش‌های محدود تاریخی پیداست، به‌عنوان آئینی دیرین و پویا، از عصر امامان و با تجلیل شاعران (کشی، بی‌تا: 567-568) مرسوم بوده و در گذر زمان توسط پیروان ایشان مخفیانه یا علنی استمرار یافت و به تدریج جزئی از سبک زندگی شیعیان گردیده و پس از آمیختگی با فرهنگ‌های مختلف، به‌عنوان رسانه فرهنگی شیعه نهادینه شده است. این موضوع چنان مهم بوده که شمار فراوانی از مطالعات شیعه‌پژوهان غربی تنها به سبب مواجهه آنان با این آیین‌ها بوده است، از جمله؛ تنها در واتیکان، بزرگ‌ترین کتابخانه تعزیه دنیا مشتمل بر 1055 نسخه تعزیه شیعیان ایران نگهداری می‌شود (قائمی؛ راد، 1392: 59).

اختصاص موقوفات و نذورات به پیروی از امامان، در فراگیری سنت بزرگ عزاداری در میان شیعیان مؤثر بوده و آن را از کارکردهای عمیق اجتماعی برخوردار نموده است، به نحوی که به‌عنوان یکی از صحنه‌های نمایش قدرت جوامع شیعی ماندگار گردیده (فوکو، 1375: 65) و اکنون یکی از بهترین ابزارهای تعمیق باورهای مذهبی، روابط اجتماعی و جامعه‌سازی در مدل شیعی محسوب می‌شود.

اگرچه نمی‌توان انکار کرد گاهی برگزاری آئین‌های مذهبی شیعه، دستاویزی برای پیدایی تنش‌های اعتقادی و گسست عمیق اجتماعی با غیر شیعیان گردید، اما طراحی آئین‌های مذهبی توسط امامان، علاوه بر آن که نوعی مبارزه فرهنگی با سیاست‌های حاکم بر جامعه بوده، زمینه‌ساز انتقال آموزه‌های شیعی به نسل‌های بعدی، موجب گسترش کمی و کیفی دیگر مناسک مذهبی، موجد استقلال هویت جمعی ایشان و کاهنده بسیاری از آسیب‌های جامعه شیعی بوده و به استواری پایه‌های همبستگی شیعیان و توسعه ارزش‌های پایدار شیعه منجر شده است و از آن جهت که این نماد خود دارای روحی اجتماعی‌ست، عاملی برای بروز رفتارهای جمعی بوده، مقابله با این سمبل توسط حکومت‌ها، موجب برانگیختگی احساسات مذهبی مردم گردیده است.

2-3-4. زیارت

توصیه امامان بر زیارت قبور پیشوایان دینی، از آیین‌های شیعیان و نقطه عزیمت اساسی در استمرار جامعه شیعه بوده است. این سنت نوعی پیوند استوار بین شیعه و رهبران و اعلام وفاداری و تجدید پیمان در نشر تفکر پیشوایان شیعه بوده که در بسیاری از مقاطع تاریخی، نمادی هویت‌آفرین برای امامیه بوده است، چه بسا مخالفت و مقابله افرادی با این امر (ابن تیمیه، 1418: 171 و 3/247)، ریشه در ماهیت هویت بخشی این رفتارها نیز داشته باشد.

در میان زیارات معصومان (ع)، که به شهرهایی همچون مدینه، نجف، کربلا، کاظمین، مشهد و سامراء قداست خاصی بخشیده‌اند، بیشترین تأکید درباره امام سوم شیعیان بوده و گزارش‌های متعددی مبنی بر توجه دیگر امامان به زیارت مرقد ایشان ثبت شده است (ر.ک: ابن قولویه، کامل‌الزیارات). نماد زیارت به گونه‌ای در روابط شیعیان قدرت‌آفرین بوده که متوکل عباسی در راستای توقف آن، علاوه بر جلوگیری از زیارت قبر امام حسین (ع)، زیارتگاه ایشان را توسط یهودیان تخریب نمود (طبری، 1408: 5/321). زیارت امام حسین (ع) در موقعیت‌های خاص نیز، مورد تأکید ویژه قرار گرفته، چنان که زیارت اربعین از شعائر مهم شیعه و از نمادهای اصلی آن شمرده شده است (طوسی، 1387: 6/52). شاید این فرهنگ‌سازی افزون بر ایجاد موقعیتی برای حضور پرجمعیت شیعیان در یک زمان و مکان خاص، سبب مشاهده‌پذیرتر شدن انسجام و اقتدار ایشان و ایجاد ظرفیت‌های جدید برای تغییر قدرت و الگوهای نوین برای رابطه با دیگران فراهم نمود و علاوه بر کارکردهای عمیق اجتماعی در روزگار معاصر، بر

تقویت احساسات درون مذهبی شیعیان، توانائی بازسازی همگرایی دینی با دیگر اندیشه‌ها را نیز تقویت نمود. امامان با آفرینش چنین فرصت ویژه‌ای، با یادآوری اهداف جامعه شیعی، استواری و نفوذ ایشان در جامعه بشری را تثبیت نمودند.

اهتمام به حضور علنی شیعیان در زیارتگاه امامان(ع)، به اظهار وجود، هماهنگی آن‌ها پیرامون امام و امیدآفرینی می‌انجامید، افزون بر آن که اختصاص هدایا، نذورات، موقوفات، وصیت به دفن‌مردگان و ایجاد بزرگ‌ترین حوزه‌های علمیه شیعه در مجاورت مزار امامان، تجلی‌گاه توسعه شهرسازی شیعیان و نشانگر پویائی هنر شیعه محسوب شد.

به‌هرحال همبستگی درونی شیعیان، همانند نخ تسبیح سبب پیوستگی شیعیان پراکنده؛ ضریب دستیابی کم‌هزینه‌تر به اقتدار شیعه را بالاتر می‌برد. این راهکار، علاوه بر دستاوردهای مهمی همچون: پاسخگویی به نیازهای شیعیان، حفظ وحدت اجتماعی ایشان، جهت‌دهی به هویت امامیان، پیشگیری از تفرقه و عبور از تهدیدات و تولید قدرت بازدارندگی؛ می‌توانست نشانه‌ای از نفوذ ائمه بر پیروان‌شان در جهت نمایش منزلت اجتماعی، تولید خوداتکایی و تضمین هرچه بیشتر منافع مشترک ایشان باشد، زیرا سبب نهادینه‌شدن روحیه همیاری شیعیان در انجام داوطلبانه خدمات، تقویت اعتماد درونی و بالطبع دمیدن مداوم روح حیات، امید و عزت‌آفرینی برای شیعیان می‌گردید(ابن‌شعبه، 1404:322) و کم‌کم به تشخیص بخشی به این جامعه و ایجاد هویتی ممتاز و متمایز برای آن‌ها بدل می‌گردید. قالب‌دهی به این هویت و ایجاد اعتماد به‌نفس و حس هویت واحد میان آنان، قدرت شیعه را در برابر سایر اجتماعات به نمایش می‌گذاشت و به تثبیت، گسترش و ماندگاری جامعه شیعه منجر می‌گردید(فرهمندپور، 1389:99).

از دیگر راهکارهای فرهنگی در راستای پیوند شیعیان می‌توان به؛ تأکید بر ترویج اختصاصات شیعه مثل انگشتر دست‌راست نمودن، کیفیت اذان، وضو، سجده بر مهر، نماز با دست باز، جهر بسم الله، سجده بر خاک کربلا، سفارش به ذکر صلوات، ترغیب به نام‌گذاری فرزندان به نام‌های معصومان، جواز ازدواج موقت، ناخوشایندی ازدواج برون‌مذهبی، تقویت جایگاه والای خانواده، سفارش به دیدوبازدید، هدیه‌دادن و... اشاره نمود، که سبب گسترش و نفوذ تفکر اهل‌بیت در میان شیعیان گردید و نوعی مبارزه فرهنگی با سیاست‌های مسلط خلفاء اموی و عباسی به‌شمار آمد.

4-2. راهکار؛ افزایش همگرایی بیرونی

ارتباط تفاهمی و پذیرش تفاوت دیگران، مهم‌ترین پایه ارتباط انسان‌ها، عامل آسان‌تر شدن زندگی همگانی و مبنای برون‌رفت از کثرت‌های موجود در زندگی جمعی هست(هولاب، 1378:26). عدم آشفستگی و سراسیمگی در برخوردهای اجتماعی با دیگران، پذیرفتن تفرد دیگران به‌عنوان واقعیتی اجتماعی و محترم شمردن انسان‌ها به‌لحاظ عاطفی و روانی در عین باورمندی و پابندی به حقانیت باورهای خود؛ پاسخ مناسبی است برای ایجاد هماهنگی در تضادهای پیچیده پیش‌روی جوامع بشری و اهرم مناسبی است، برای تأیید دیگران. به‌تعبیری؛ پیشرفت جامعه در پرتو اقتدار و اقتدار جامعه مشروط به همگرایی است(ابن‌ابی‌الحدید، 3/180). جامعه‌ای که به سمت ترجیح مصالح اجتماعی حرکت نکند، با مختل‌شدن بسیاری از احتیاجات ابتدایی، به لایه‌های درونی فروکاسته خواهد شد(صدوق، 1362:1/17؛ جلائیان‌بخشنده، 1397:10).

شواهد تاریخی نشان می‌دهد؛ رهبران شیعه که کرامت‌ذاتی انسان‌ها را صرف‌نظر از اعتقادات‌شان ارزشمند دانسته(ر.ک: نهج‌البلاغه، نامه 53) و ایشان را برادران و خواهرانی از یک پدر و مادر و اعضای یک خانواده بزرگ بشری می‌دانستند(کلینی، 1407:8/230؛ ابن‌شعبه، 1404:413)، تلاش‌های جدی برای پیشگامی در هم‌افزایی درازمدت با دیگر فرهنگ‌ها و تحکیم پیوندهای اجتماعی و اعتدال‌مذهبی داشتند. چنان‌که امام سجاد با جذامیان هم غذا می‌شد(کلینی، 1407:2/123)، یا حتی

امام علی(ع) برای حفظ و تقویت حرمت اجتماعی، برای ورود به خانه اهل ذمه اجازه می‌گرفت(طبرسی، 1385: 196). از این رو، پیوند اجتماعی و اصلاح روابط اجتماعی را مهم‌ترین صدقه و حتی ارزشمندتر از نماز و روزه به‌شمار آورده‌اند و پرهیز از واگرایی از شاخصه های دوری شیطان از جامعه دانسته شده (کلینی، 1407: 2/209؛ نهج البلاغه: نامه 47؛ خطبه 192، 127، 5) و در مقابل دوری از جامعه درون دینی را، نوعی بی‌عدالتی دانسته‌اند(صدوق، 1413: 3/38).

ایشان ضمن ترغیب شیعه به انعطاف‌پذیری با جامعه متکثر(کلینی، 1407: 2/175)، آنان را اهل عاملیت اجتماعی با مجموعه بزرگ جامعه انسانی تربیت کردند،(فیض کاشانی، 1425ق، 1/638) و با صراحت علاقه خود به شیعیان سازوار با جامعه را با عبارت «انا لنحب من کان حلیماً، مداریا»(کلینی، 1407: 2/56) بیان داشتند. تا زمینه پیشتازی آنان را فراهم آورند، از این رو شیعه را به دوری از دیگران یا روابط غیرمنطقی سفارش نکردند(هاشمی‌خویی، 1400: 13/82).

همگرایی با دیگران به عنوان ابزار سازواری(گیدنز، 1378: 140)، در سخنان امامان در وقایع متعدد با الفاظ گوناگون، مخصوصاً با عبارت «مداراه الناس» تواتر معنوی دارد، بخش قابل توجهی از روایات مربوطه، حکایت‌گر آن است که سیره امامان شیعه در تعاملات فردی و اجتماعی، سفارش به سازگاری با همه مردم یعنی تمام افراد مسلمان و غیرمسلمان است(کلینی، 1407: 2/116؛ مجلسی، 1403: 72/401 و 75/90؛ نهج البلاغه، نامه 53) این جهان‌شمولی و عمومیت همگرایی، می‌تواند انسان-ساز، تاریخ‌ساز و حتی تمدن‌ساز باشد.

دست‌آورد دیگر مستندات بی‌شمار، درباره رفتار پدران و دگرپذیری ایشان آن است که برابری همه انسان‌ها از فرامین محوری مذهب شیعه است، نه سفارشی گذرا، جنبی و صرفاً اخلاقی. انسان‌ها با تنفس در چنین هوای اخلاقی می‌توانند زندگی سالمی را تجربه نمایند. تا جایی که برخی از بزرگان شیعه با استفاده از روایات مربوطه، معتقد به تقیه مداراتی هستند که فراتر از مدارا و رفق در رفتار است. یعنی؛ پنهان نمودن عقیده با هدف حفظ روابط اجتماعی شیعه(الامام‌الخیمینی، 1385: 7؛ ر.ک: حرعاملی، بی‌تا، کتاب امر به معروف و نهی از منکر، باب وجوب عشره‌العالمه بالتقیه).

چنین تصور می‌شود رهبران شیعه با ترویج این روش اخلاقی و انسانی، برای آسانی در روابط متعادل اجتماعی، جایگاه اجتماعی ممتازی برای شیعیان رقم زدند، تا از رهگذر آن بتوانند دیگران را به باورهای شیعه آشنا و بلکه نزدیک نمایند، یا حداقل از زیان‌های بزرگتر پیش‌گیری نمایند(مجلسی، 1403: 72/401). بنابراین تقابل، تعارض، تخصص و حتی انفعال نمی‌توانست روشی همیشگی برای تداوم شیعه در چالش‌های خونین باشد و به میرایی آن‌ها منجر می‌شد، بلکه شایسته بود امامان با کلید نامرئی نفوذ، از فرصت‌های پیش‌رو برای ایفای نقش مؤثر و بلکه افزایش قدرت استفاده کنند، تا شاید محدودیت‌های مختلف بر علیه شیعه را کاهش دهند.

1-2-4. سلوک مدارا محور امامان(ع)

سعه صدر و تحمل از الزامات همگرایی است. سیره اجتماعی امامان، نمایانگر عادی‌سازی روابط با اکثریت غیر شیعه بود، تا بدین-وسیله تنش‌ها را از بین برده و زیست‌آسان پیروان سایر افکار را هموار سازند. مثلاً امام صادق(ع) تصریح کرده‌است: بر خلاف بنی‌امیه که با اجبار بر مردم حکومت می‌نمودند، ما با مدارا بر مردم حکومت می‌کنیم(صدوق، 1362: 354) یا تأکید داشتند: با مردم مدارا کنید تا رفتار شما نزد آن‌ها بزرگ شود و با آن‌ها دشمنی نکنید که بر گردن خود سوارشان کنید و خوار گردید(کلینی، 1407: 2/109). چنین رویکردی، سبب اتحاد مذاهب و ضعف دشمن مشترک می‌گردید. رهبران شیعه نه تنها

منکران امامت خود را از دایره مسلمانی خارج نمی‌دانستند، بلکه ضمن پرهیز شیعیان از توهین به دیگران، سفارش می‌کردند که موجبات تحریک آن‌ها را فراهم نکنند (ابن‌شعبه، 1404: 413).

امام علی (ع) هرگز از کسی انتقام شخصی نگرفت و حتی هنگامی که صاحب‌قدرت بود، با کینه‌ورزان عقیدتی و سیاسی خودش تا زمانی که به اجتماع ضرری وارد نکردند، نهایت نرمش را نشان داد (نهج‌البلاغه، خطبه 168؛ دینوری، 1371: 143). ایشان یکی از علل سکوت خود در حوادث جانشینی پیامبر را، حفظ وحدت اجتماعی بیان کرده (نهج‌البلاغه، خطبه 5 و 119) همچنین در جنگ صفین که وادار به پذیرش حکمیت شد، همگرایی با جمع را بر نظر شخصی خود مقدم نمود. حتی در مواجهه با دگرانیشان بدخواهی مانند؛ خوارج، که ایشان را کافر می‌دانستند، هیچ‌گاه آنان را به کفر متهم نکرد و اجازه هیچ‌گونه تعرض به آن‌ها نداد و حقوق ایشان را از بیت‌المال قطع نکرد (نهج‌البلاغه، خطبه 60) و از آن‌ها به برادران سرکش و حق‌جویان خطاکار یاد نمود (حمیری، 1413: 94). ایشان پس از آسیب از خوارج، در آخرین لحظات عمر نیز، وصیتی فراتر از مدارای با قاتل خود داشت که حاکی از غلبه روحیه همگرایی بر عدالت فردی است (مجلسی، 1403: 42/207). امام صادق نیز ضمن رد پندار برخی از شاگردان برجسته خود مثل «زراره» مبنی بر تکفیر منکران امامت ائمه، این تندروی را ناشی از کینه نسبت به مخالفان دانسته (بحرانی، 1374: 548) و در موردی مشابه، ضمن نکوهش آشکار کردن مرزبندی‌های اعتقادی، به اصحاب هشدار داد که: بسیار بداست برای شما چیزی را که از ما نشنیده‌اید، از پیش خود بگویید (کلینی، 1407: 2/399). همچنین امام کاظم در پی آزارهای زبانی یکی از نوادگان خلفای نخستین، به دیدار او در کشتزارش رفته و تنها با هدیه مقداری پول، او را شیفته خود ساخت (خطیب‌بغدادی، 1422: 13/30) همین امام در پاسخ واکنش تند اطرافیانش به برخورد صمیمانه با پیرمردی غیر شیعه، ضمن پرهیز ایشان از نگاه حقارت‌آمیز به او، فرمود: بنده‌ای است از بندگان خدا و برادری است به حکم کتاب خدا و همسایه‌ای است در سرزمین‌های خدا، ما با او در بهترین پدر یعنی آدم و نیکوترین دین، یعنی اسلام شریکیم و چه بسا روزگار ما را نیز به او نیازمند نماید. اگر امروز به او فخر بفروشیم، شاید روزی ناچار به کرنش در برابرش شویم (ابن‌شعبه، 1404: 413). امام رضا (ع) نیز در پاسخ انتقاد فضل‌بن‌سهل؛ وزیر و مشاور مأمون، مبنی بر مذمت همنشینی امام با خادمان در سفره غذا، با تندی به او یادآوری نمود: پدر و مادر همه ما یکی است (کلینی، 1407: 8/230).

امامان شیعه که با استفاده از برهان، حکمت و منطق به نمایش چهره‌ای معتدل از شیعه در برابر دشمنان اهتمام داشتند، منازعات فرقه‌ای را ناپدیدکننده اندیشه (نهج‌البلاغه، حکمت 215) و سبب فرسایش توان مسلمانان می‌دانستند. از این رو ایشان فرصت تعامل با عموم اهل سنت را از دست نداده و تمامی اهل قبله - غیر نواصب و غالبان - را مسلمان شمرده و شیعیان را به وحدت و دوری از لعن و توهین تشویق می‌نمودند. بر همین اساس سفارش می‌نمودند مانند خودشان، شیعیان نیز از میزبان سایر مذاهب عبادت کنند، در تشییع جنازه‌های آن‌ها حاضر شوند، در دادگاه برای آن‌ها شهادت دهند و امانت را به آن‌ها برگردانند (کلینی، 1407: 2/636 و 2/219؛ مجلسی، 1403: 8/233) فراتر از دستگیری شبانه از نیازمندان غیر شیعه (کلینی، 1407: 4/8)، حتی شیعیان را به حضور پررنگ در اجتماعات عبادی مسلمانان، خصوصاً نماز جماعت اهل سنت و اقتدای بر ایشان نیز سفارش کردند (همان: 375 و 3/372).

امام اول شیعیان که طریق هدایت و دوری از گمراهی را در اتحاد می‌دانست، برای حفظ اقتدار رهبری امت اسلامی و جلوگیری از دامنه تفرقه بین مسلمانان، قهر نکرد و با خلفاء همکاری نمود. ایشان حتی در شورش بزرگ علیه خلیفه سوم، در دفاع از او اقداماتی صلح‌طلبانه انجام داد و با توجیه مردم زمان بیشتری برای او خرید. امام حسن (ع) نیز صلح را بر جنگ‌های فرسایشی میان

مسلمین ترجیح داد. تسامح امام صادق(ع) با منصور عباسی و ارسال هدیه برای او، چنان مؤثر بود که اعلام نمود؛ علاوه بر اجازه عرضه آزادانه علم خود بر شیعیان، امام می‌تواند در هر شهری که منصور در آنجا ساکن نباشد، فتوا نیز بدهد، در حالی که منصور چندین بار درصدد کشتن امام برآمده بود(مجلسی، 1403: 47/180). پاسخ‌گویی امام‌هادی(ع) به سؤالات فقهی متوکل را می‌توان نمونه دیگری از تقویت همگرایی محسوب نمود (ابن‌شعبه، 1404: 481). بنابراین، دیدگاه‌های معتدل امامان در همگرایی با دیگران، آن‌ها را به‌عنوان یک گروه اثربخش نشان داد و فضای مساعدی برای دوام شیعیان فراهم آورد.

همین سلوک مدارامدار از سوی ائمه، علاوه بر مدیریت حساسیت‌های مذهبی جامعه، سبب گسترش نفوذ اجتماعی امامان در افکار عمومی و حتی بین دشمنان‌شان بوده، تا به حاکمیت بر قلب‌ها دست پیدا کنند(بحرانی، 1405: 21/242). چه بسا همین روش بیشتر از استدلال‌های محکم علمی، قلب‌های مردم را به امامان شیعه جذب کرده بود، به‌گونه‌ای که از خشن‌ترین آن‌ها، دوستانی همراه و متواضع پدید آمدند. به‌عنوان نمونه سه نفر از مأموران ویژه حکومت منصور (ربیع، محمدبن عبدالله اسکندری، ابراهیم بن جبله) در سه مرحله احضار امام صادق(ع)، چنان شیفته بردباری ایشان شدند که حتی با ایشان همکاری اطلاعاتی می‌کردند(مجلسی، 1403: 189 و 192 و 47/202). استقبال تماشائی از امام‌هادی(ع) در مسیر احضار ایشان از مدینه تا سامراء (همان: 50/143-148)، همین‌طور صف‌کشیدن برای استقبال از فرزندشان امام‌عسکری(ع) در وقت رفتن از خانه به کاخ خلفاء(طوسی، 1387: 129) نشانگر سردرگمی حکومت از محبوبیت و تأثیر عمیق امام بر افکار عمومی است(مجلسی، 1403: 50/161).

پرهیزاندن شیعیان از جنگ‌طلبی، ارزش دیگری است که عامل توجه امامان شیعه به حل مسالمت‌آمیز اختلاف‌ها بود. بررسی تاریخ دویست و پنجاه ساله حضور امامان، نشان‌دهنده عدم تمایل ایشان به تقابل در مواجهه با موقعیت‌های پرفشار بوده است. در حالی که شیعیان امامی آغازگر هیچ تهاجمی نبوده‌اند، فرقه‌هایی مانند خوارج با محوریت حرکت‌های افراطی و خشونت-آمیز مسلحانه، با خشم حکومت به سرعت تضعیف شده و پس از انزوا، جز گروه‌هایی اندک، بدنه اجتماعی خود را از دست داده و از میان رفتند، تا جایی که مثلاً فرقه اباضیه پس از این سرخوردگی به همسویی با جریان حاکم متوسل شد تا باقی بماند(طبری، 1408: ۵۶۷).

همچنین می‌توان مناظره و ردیه‌نویسی را نقطه عزیمت مناسبی در راستای رفتارهای تعاملی پیشوایان شیعه محسوب نمود. امامان با تبدیل منازعات مذهبی به مناظرات علمی، فرصتی فراهم ساختند تا علاوه بر کاهش بدگمانی‌ها و بدفهمی‌ها؛ اشتراکات مذهبی، برجسته و نگرانی کسانی که شیعه را خارج از دین می‌دانستند، کمتر شود(برقی، 1371: 1/229). ایشان ضمن علاقمندی به گفتگوی مسالمت‌آمیز با سران ادیان و مذاهب(کلینی، 1407: 1/78) تضارب‌آراء را زمینه تولید اندیشه صحیح می‌دانستند(آمدی، 1378: حدیث 2567). امامان با استفاده از این رویکرد عقلایی، بابتی بزرگ در ایجاد تعاملات فکری گشودند، تا با شناساندن بی‌پرده واقعیت تشیع توسط نمایندگان اصلی تفکر شیعه، زمینه همگرایی متقابل را فراهم نمایند. آن‌ها با وجود به-حاشیه‌رانی همیشگی گفتمان حاکم، در میدان سخت منازعات، با برجسته‌سازی نقاط قوت گفتمان شیعه، نتایج مباحثات علمی را به نفع خود رقم زدند(ابن‌شعبه، 1404: 513: 50/76: 1403: مجلسی، 50/76)، از این‌رو در کنار برداشتن پرده ابهام از چهره مسائل پیچیده، تصویر واژگون‌شده شیعه را بازسازی نموده و نظریه امامت را با فریاد بلند و در سطح گسترده‌ای، به تأیید ناظران بیرونی رساندند(صدوق، 1372: 1/109؛ همو، ۱۳۹۸: ۴۲۷-۴۲۰).

براین اساس، پذیرش مناظره، صرف‌نظر از پاسداری از مرزهای عقیدتی شیعه، به‌عنوان یک سرمایه‌گذاری پرسود در راستای تقویت تعامل و راهی برای عبور از چالش‌های مختلف بود تا ثابت شود؛ بهترین روش آشنایی طرفین با نگرانی‌ها و رفع تعارضات

متقابل، با گفتگو گره خورده است. انعکاس احتجاجات ائمه، افزون بر تقویت موقعیت امامان و امیدافزایی پیروان شان، سرمایه‌ای از اعتماد را شکل می‌داد که بعضاً سبب ابراز رسمی و بدون تقيه اعتقادات تشیع گردید، چنان که دانشمندان مهمی مانند عمران- صابی، اظهار تشیع کردند (صدوق، 1372: 1/360)

اتخاذ راهکار توسعه مناظره؛ یکی از راهکارهای بهبود عملکرد و عامل پایداری شیعه شد. به گونه‌ای که امامان با نمایش عقل- پذیری تفکر شیعه، توانستند امکان گسترش گفتمان شیعی را فراهم نمایند و باورهای خود را در کنار سایر فرهنگ‌ها عرضه نمایند و یک منبع با ارزش برای سایر فرهنگ‌ها تلقی کنند. در سایه دیدگاه‌های متقابل، به تدریج جامعه شیعه به عنوان گروه فعال وحدت طلب جلوه گر شده و با جلوگیری از تنش‌های امنیت‌زدا، فضای مساعدی برای افزایش اقتدار ایشان فراهم گردید، به حدی که شیعیان در مقاطعی، اعتماد حکومت‌ها را برای حضور در بدنه کارگزاران جلب و موجبات گسترش ضریب نفوذ تفکر خود در برخی مناطق و گرایش به مذهب تشیع را آماده کردند و افق‌های امیدبخش فراروی خود گشودند.

بنابراین حرکت امامان به سمت راهکار همگرایی بیرونی و محو نگرش‌های تعصبی، قومی و قبیله‌ای (کلینی، 1407: 2/308)، بیشتر از همبستگی درونی، در جذب بدون خشونت عموم مردم موثر بود، نه تنها سبب ایجاد تغییر بنیادین در مناسبات یکدیگر، شکل‌گیری فرهنگ مشترک و تمایل دیگر افکار به ایشان شد؛ بلکه سطح امنیت، اقتدار، تداوم و پویائی شیعه را افزایش داده و در نتیجه زمینه رشد اندیشه‌های امامیه را فراهم کرده است. خصوصاً همگرایی فرهنگی به دلیل حساسیت پائین آن، نقطه عزیمت مناسبی برای مهار تنش‌ها و فروپاشی اجتماعی محسوب می‌شد.

شایسته یادآوری است هر چند منش کارساز تربیتی رهبران شیعه و روح غالب در گفتار و رفتار ایشان به همگرایی، مدارا و جلب قلوب با گرایش‌های مختلف فکری معطوف است (گروهی، 1377: 98) اما این راهکار؛ نه در نظر نه در عمل، بی قید و شرط، امکان تحقق ندارد، از این رو سیاستی مطلق، همیشگی و در همه شرایط اجتماعی جامعه درونی و برونی جاری نبوده، پس به معنای سازش یا حذف وجوه تمایز نبوده، بلکه این رویکرد تا زمانی چاره‌ساز شمرده می‌شد، که اقتضائات و شرایط مناسب بوده و مورد سوءاستفاده قرار نگیرد. به عبارتی تا جایی که چهره مذهب، آلوده خرافات و بدعت نشود، ایمان، اخلاق، مصلحت، عزت و امنیت جامعه در معرض خطر قرار نگیرد. یعنی اصول کلی، خطوط قرمز دین، حدود و قوانین الهی و در یک کلام حق ترک نشود، (نهج البلاغه، نامه 31 و 46؛ ابن شعبه، 1404: 42). بر همین اساس امامان شیعه در عین سفارش به کنشگری اجتماعی، بیشترین تبری را نسبت به خودکامگان توصیه نموده و هیچ فرصتی را برای کاستن از نفوذ مستکبران و معاندان از دست نداده و هرگز گفتار و رفتارشان را حق ندانستند (نهج البلاغه، خطبه 3). بر همین اساس امام علی (ع) در مقابل تجزیه‌طلبی‌های طلحه، زبیر و معاویه در جنگ جمل و صفین مبارزه کرد، همچنین وقتی نرمش در برابر خوارج راه، که عامل فروپاشی وحدت جامعه بودند کارساز ندانست، به سختی با ایشان برخورد نمود. یا امام کاظم (ع)، «صفوان جمال» را به دلیل کرایه دادن شترانش برای مراسم حج هارون عباسی، سرزنش نمود (طوسی، 1424: 440) چنان که شیعیان را از پوشیدن لباس سیاه که نماد حکومت عباسیان شده بود برحذر داشت (صدوق، 1413: 1/251) همچنین ائمه، ضمن پرهیز شیعیان از نزدیکی به فرقه‌های منحرفی مانند مرجئه که بی- مسئولیتی اجتماعی را ترویج می‌نمودند، (کلینی، 1407: 6/47) امامیان را از ورود به مسائل تنش‌زای مذهبی مانند فتنه خلق - قرآن، که اختلاف شدیدی میان مسلمانان ایجاد کرده بود، نهی کردند (همان: 6/47) تا آن‌ها را از آسیب‌های شدیدی که فرقه‌های دیگر بدان دچار شدند، محفوظ نمایند.

بنابراین تأکید می‌شود رهبران شیعی، در مناسبات سازنده، با توجه به موقعیت‌های مختلف خویش و طرف مقابل، یکی از سه نوع رفتار تعاملی، رواداری و تقابلی را بر می‌گزینند. با مردم عادی، بدنه اصلی جامعه، مستضعفان فکری یا فریب‌خوردگان ناآگاه، بیشتر از رفتارهای تعاملی یا سازوارانه، استفاده می‌نمودند، پس مدارامداری مطلوبیت دائمی نداشته، بلکه مقید و مشروط به اثرگذاری در جهت توسعه و تحبیب دین بوده، حتی گاهی مدارا مخالف صریح ادبیات گفتاری و رفتاری ایشان بوده است، خصوصاً اگر مردم در مقابل انحرافات اجتماعی، سیاسی، اعتقادی، در تشخیص حق و باطل، یا کفر و ایمان سرگردان می‌شدند، ایشان در چنین مواقعی هرگز ساکت نبوده و هیچ‌گاه با مخالفان نرمش نداشتند، بلکه علاوه بر پاسخ‌های برهانی، حتی گاهی با وجود عدم اقتدار اجتماعی و کمی عده و عده دست به تقابل می‌زدند. نمونه بارز آن قیام امام حسین (ع) می‌باشد.

چنان‌که وجود احکام و رفتارهایی از نوع جواز و حتی لزوم برخورد قاطع در مقابل مخالفین برانداز درونی و بیرونی، مانند قتل کفار حربی، مرتدان، باغیان، محاربین، برخی غالیان در سیره امامان شیعی، گواه دیگری بر تفاوت میزان شدت و ضعف، همگرایی و واگرایی، با توجه به مصالح و افراد مختلف است.

نتیجه

اگر چه اقلیت شیعه امامی، در برابر همراهی اکثریت هوادار حکومت، برای بقای خود با هجمه‌هایی بنیان برانداز مواجه بود، اما بر خلاف انتظار تفکر حکومت که مصمم به هضم تدریجی ایشان در قدرت غالب بودند، تفکر شیعی به حیات روبه‌پیشرفت خود ادامه داد، به‌گونه‌ای که اکنون دومین مذهب بزرگ اسلامی هست (انجمن دین‌وزندگی عمومی پپو، ۱۳۹۳: ۲۰). رهبران شیعه که هرگز فرصت‌ها را تمام‌شده نمی‌دانستند، تعیین سرنوشت خود را به دیگران واگذار نکرده و با ترسیم راهبردی فرهنگی، توانستند از فراز و نشیب‌های روزگار عبور کرده، منزلت پیروان‌شان را ارتقاء بخشیده و حضور فعال ایشان در فرصت‌های جدید را برای آینده‌ای بهتر برنامه‌ریزی و ایشان را به جامعه‌ای پویا تبدیل نمایند.

رهبران شیعی، با توجه به موقعیت‌های متفاوت، رفتارهای مختلف تعاملی، رواداری و تقابلی را برگزیدند. هر چند ایشان در برابر مستکبران از رفتارهای تقابلی استفاده می‌نمودند اما در برخورد با مستضعفان فکری و توده مردم، بیشتر از رفتار تعاملی استفاده نمودند. یکی از منابع اساسی استمرار حیات شیعه، در «سازواری اجتماعی» نهفته است. این راهبرد با دوال همبستگی درونی و همگرایی بیرونی، به مثابه قدرت نرم و عامل انسجام اجتماعی به نسبت سایر متغیرها، تأثیر ساختاری بر قابلیت پرواز تشیع برای وصول به پایداری مطابق با شرایط جدید داشته است. اتخاذ راهبرد سازواری اجتماعی، افزون بر پیشگیری از تضعیف و طرد شیعیان، صیانت از فرهنگ شیعه و افزایش ضریب اعتماد متقابل؛ می‌توانست زمینه‌ساز تأثیر بر فرهنگ مقابل گردد.

امامان شیعه با نهادینه‌سازی انسجام درونی شیعیان، ضمن کسب اقتدار اجتماعی خود، پایگاه مناسبی به‌دست‌آورده و مورد توجه صاحبان اندیشه قرار گرفتند، دامنه تأثیر آنان طیف گسترده‌ای از جامعه را در بر گرفته و زمینه تمایز بیرونی و خوداتکائی شیعیان را فراهم آورد. همچنین با تجویز فعالیت‌های جمعی در کنار ارتباطات گسترده و نهراسیدن از مواجهه با افکار متفاوت، صلاحیت بیرونی شیعیان را اثبات کرده و اسباب مهار خسارت‌ها و ایجاد صلح، امنیت و اقتدار بیشتر ایشان در قلب بحران‌های مختلف را فراهم نمودند، تا با افزایش امیدواری اجتماعی، به بخشی از حقوق از دست رفته‌شان دست یابند.

کاربست گفتمان نرم سازواری اجتماعی، امامان را از کانون‌های مرجع به شمار آورده و دیگر سیاست‌های ایشان را نیز مورد پذیرش جامعه قرار داد و در استواری منظومه فکری شیعه نقش فرازمندی ایفا نمود، به گونه‌ای که پیشرو بودن فرهنگ شیعه را همگانی ساخت تا شیعیان به نقش‌آفرینی خود باور و پیام رهبران‌شان را در مرزهای زمانی و مکانی جدید منتشر نمایند.

اگرچه راهبردهای امتدادیابی حیات شیعه منحصر به حاکمیت سازواری اجتماعی نیست، اما بی‌تردید مجهز نبودن به چنین سرمایه‌ای، به انزوا و بلکه حذف شیعه می‌انجامید، چنان‌که فرقه‌هایی که از این اندیشه فاصله گرفتند، به ورطه نابودی افتاده و جز نامی از آن‌ها باقی نماند.

منابع

قرآن مجید

- نهج البلاغه (1414 ه.ق)، محقق، صبحی صالح، قم: هجرت.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (1404 ه.ق)، تحف العقول عن آل الرسول، محقق، غفاری، علی اکبر، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی (1379 ه.ق)، مناقب آل ابی طالب، قم: علامه.
- اریلی، علی بن عیسی (1381 ه.ق)، کشف الغمّه فی معرفه الأئمّه، محقق، رسولی محلاتی، هاشم، تبریز: بنی هاشمی.
- اصفهانی، ابوالفرج (بی تا)، مقاتل الطالبیین، بیروت: دارالمعرفه.
- الامام الخمینی، روح الله (1385)، الرسائل العشر، تحقیق، موسسه تنظیم و نشر آثار امام الخمینی، تهران: مطبعه مؤسسه العروج.
- انجمن دین و زندگی عمومی پیو (۱۳۹۳)، نقشه جمعیت مسلمانان جهان، ترجمه محمود تقی زاده داوری، قم: شیعه شناسی.
- انوری، حسن (1381)، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: انتشارات سخن.
- آرون، ریمون (1384)، مراحل اساسی سیراندیشه در جامعه شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد (1378)، غرر الحکم و درر الکلم، مترجم هاشم رسولی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بحرانی، سید هاشم (۱۳۷۴)، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه بعثه.
- بحرانی، عبدالله بن نورالله (1405)، عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال، مصحح: محمد باقر موحد ابطحی - اصفهانی، قم: مدرسه الإمام المهدی.
- برقی، احمد بن محمد (1371 ه.ق) المحاسن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- بیرو، آن (1370)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: انتشارات کیهان.
- جباری، محمدرضا (1382)، سازمان و کالت و نقش آن در عصرنامه، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- جلایان بخشنده، وجیهه؛ قاسمی، وحید؛ ایمان، محمد تقی (1397)، «تبیین جامعه شناختی رابطه اعتماد اجتماعی و مدارای اجتماعی - مبتنی بر نظریه ساختار بندی گیدنز»، فصلنامه توسعه اجتماعی، دوره 12، شماره 4، صفحات 32-7.
- حرانی، ابو محمد (1404 ه.ق)، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین.
- حر عاملی، محمد بن حسن (بی تا)، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- حمیری، عبدالله بن جعفر (1413 ه.ق)، قرب الإسناد، قم: مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- خطیب بغدادی، احمد بن علی (1405 ه.ق)، الکفایه فی علم الروایه، بیروت: دارالکتب العربی.
- خطیبی، اعظم (1394)، «بررسی تأثیر هریک از مؤلفه های سازگاری بر انسجام خانواده اقوام شهر همدان با رویکرد جامعه شناختی»، مجله جامعه شناسی ایران، دوره 16، شماره 2، صفحات 135-169.
- صدوق، محمد بن علی (1372)، عیون اخبار الرضا، ترجمه حمیدرضا مستفید، اکبر غفاری، تهران: نشر صدوق.
- صدوق، محمد بن علی (1413 ه.ق)، من لا یحضره الفقیه، ترجمه اکبر غفاری، قم: انتشارات اسلامی.
- صدوق، محمد بن علی (1362) خصال، محقق، علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول.
- طبری، محمد بن جریر (1408 ه.ق)، تاریخ الامم و الملوک، بیروت: دارالکتب العلمیه.

- طوسی، محمدابن الحسن (1387)، الغیبه، مترجم، مجتبی‌عزیزی، قم: انتشارات جمکران.
- فرهمندپور، فهیمه (1389)، «تأثیر تمایزات فقهی و عملی تشیع/امامی در همگرایی اجتماعی و انسجام سیاسی (در طی سه قرن نخست-هجری)»، مطالعات تاریخ اسلام، سال 1، شماره 4، صفحات 77-104.
- فوکو، میشل (1375)، ایرانی‌ها چه رؤیایی در سردارند، تهران: نشرنی.
- قائمی، سیدرضا، راد، علی (1392)، «انگاره چلکوفسکی در عزاداری شیعه؛ نقد دیدگاه چلکوفسکیدر مجموعه (shiiism)»، مجله تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، دوره 4، شماره 6، صفحات 57-76.
- کشی، محمدبن عمر (بی تا)، اختیار معرفه الرجال، محقق مهدی رجائی، قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
- کلینی، محمدبن یعقوب (1407 ه.ق)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- گلابی، فاطمه؛ رضائی، اکرم (1392) «تأثیر مشارکت اجتماعی بر مدارای اجتماعی در بین دانشجویان»، مطالعات و تحقیقات اجتماعی - در ایران، دوره 2، شماره 1، صفحات 61-86.
- مجلسی، محمدباقر (1403 ه.ق)، بحار الأنوار الجامعة أخبار الأئمة الأطهار، مصحح، محمدباقر محمودی و دیگران، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مسعودی، علی بن‌الحسین (1357 ه.ق)، التنبيه و الاشراف، قاهره: دارالساوی.
- مرادی، حجت‌اله (1389)، قدرت و جنگ نرم، تهران: نشر ساقی.
- مطهری، مرتضی (1362)، خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران: انتشارات صدرا.
- مقریزی، احمدبن علی (1418 ه.ق)، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط والآثار المعروف بالخطط المقرزیه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- هالوب، رابرت، یورگن، هابرماس (1378)، نقد در حوزه عمومی، مترجم: حسین بشیریه، تهران: نشرنی.